



مصاحبه ها، جلد 1

مصاحبه ها، ج 1، ص: 1

مصاحبه مجله بینات

/ 1385 / شماره 49 و 50 با حضرت استاد انصاریان پیرامون ترجمه قرآن کریم

(این مصاحبه با پانزده نفر از مترجمان و صاحب نظران عرصه قرآنی است که بخش مربوط به حضرت استاد انصاریان در اینجا درج شده است)

در دو دهه گذشته ترجمه قرآن کریم، کارنامه‌ای پر برگ و بار دارد و شاید بیشترین ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی به بازار عرضه شده است، که برخی آن را نهضت ترجمه قرآن نام نهادند. در کنار نشر ترجمه‌های ارزشمند و گرانسنگ، دهها مقاله در نقد و معرفی آنها نیز نگاشته شده است و صاحب نظران فراوانی درباره آنها قلم زده‌اند و اظهار نظرهای عالمانه، دقیق و گاه موشکافانه داشته‌اند که برای مترجمان بعدی بسیار سودمند افتاده است و آنان را از لغزش‌های خرد و کلان نگاه داشته است. بدین سان بینات به لحاظ جایگاه علمی و اجتماعی خود و نیز تخصصی بودن آن، بر آن شد تا شماره‌ای را ویژه ترجمه و مترجمان قرار دهد.

از این رو در کنار جمع آوری مقالات فراوانی در این باره، بر آن شدیم تا با طرح سؤالات دقیق و فنی از نقطه نظرات صاحبان دانش و نظر و مترجمان بنام قرآن کریم بهره‌مند شویم. بدین ترتیب پانزده سؤال را مطرح کردیم که عبارت بود از: آیا مترجم قرآن باید حرفه‌ای باشد و چه تبحرهایی را نیاز دارد؟ ترجمه محض برای قرآن جوابگوست یا نیاز به پانویس دارد؟ ترجمه گروهی چه فوائد و مشکلاتی را در بردارد؟ اعضای گروه چه تخصص‌هایی باید داشته باشند؟ در ترجمه قرآن ترجمه همه ادوات و حروف لازم است؟ دشواری‌ها و تفاوت‌های ترجمه قرآن با سایر متون چیست؟ شما به عنوان مترجم قرآن چه نوآوری‌هایی در ترجمه خود دارید؟ آیا ترجمه تحت اللفظی را کافی می‌دانید؟ سه ترجمه کهن و سه ترجمه معاصر را معرفی کنید و برخی امتیازات آنها را بیان فرمایید. تصحیح و چاپ ترجمه‌های کهن از چه جایگاهی برخوردار است؟

نظر شما درباره ترجمه‌های منظوم چیست؟

اصطلاحاتی مثل زکاه و انفاق که در فارسی قابل فهم است، آیا نیاز به ترجمه دارد؟ زبان ترجمه قرآن، زبان محاوره‌ای باید باشد و یا نثر معیار؟ چه منابعی در ترجمه قرآن مورد نیاز است؟

بینات

حجه الاسلام والمسلمین حسین انصاریان در سال 1323 در خوانسار به دنیا آمد و پس از عزیمت به تهران و انس با استاد عارف و حکیم مرحوم الهی قمشه ای و به توصیه ایشان در سال 1338 راهی حوزه علمیه قم شد. وی در دوران حضور در تهران از محضر عارف کامل الهی قمشه ای بهره‌های عرفانی و تفسیری فراوان برد.

ایشان در دوران اقامت در قم به تحصیل و تحقیق و تدریس پرداخت و سپس به تهران مراجعت کرد و توفیق یافت در زمینه‌های مختلف معارف اسلامی به تحقیق و تعلیم پردازد و آثار ماندگار فراوانی را به جامعه عرضه نماید از جمله آنها: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجادیه، ترجمه مفاتیح الجنان و دهها کتاب دیگر می‌باشد.

1. به نظر شما مترجم قرآن باید در چه علوم و فنونی تبحر داشته باشد

و علاوه بر آنها آیا ضرورت دارد که مترجم حرفه‌ای باشد؟

حسین انصاریان: از آنجا که فهم قرآن مجید و ارائه معانی بلند و عرشی آن نیاز به علوم مختلفی دارد، و بدون آنها درک حقایق آیات آن کتاب عزیز میسر نیست، لازم است يك مترجم به علومی از قبیل صرف و نحو، معانی بیان، لغت، تاریخ، حدیث، اصطلاح شناسی، و در زمان حاضر تا حدی علوم طبیعی، کیهانی، روانشناسی، سیاسی آشنا باشد، تا از جهتی به توفیق حق به درک مفاهیم آیات و ارائه آن با اسلوبی قابل فهم همگان و کاربردی موفق گردد؛ و فوق همه این امور مترجم باید در حد لازم از طهارت باطن و سلامت نفس و نور بندگی حق برخوردار باشد تا به اندازه سعه وجودی‌اش به عمق آیات، و حقایق مندرج در آنها دست یابد و از معانی و مفاهیم، آنچه را مورد نظر نازل کننده این کتاب عظیم است به مخاطبان برساند.

2. به نظر شما آیا ترجمه محض بدون پانویس امکان پذیر است؟

اگر هست چرا؟ و اگر نیست چرا؟

مصاحبه ها، ج 1، ص: 2

حسین انصاریان: اگر ترجمه ظهور قلم متخصص فن باشد، و تا حدی که ممکن است با توضیحاتی در پرانتز همراه گردد، و بتواند به صورت جامع افراد و مانع اغیار جلوه کند بنظر می رسد پانویس لازم نباشد و اگر ترجمه مبهم باشد، یا لازم است مخاطب، حقیقتی را که در آیه نهفته است بداند تا ذهنش از مصداق واقعی آیه به سوی دیگر منحرف نگردد پانویس لازم است.

3. در سال های اخیر گفت و گو از ضرورت ترجمه گروهی است

، نظر حضرت عالی درباره ضرورت و فوائد و موانع و مشکلات این نوع ترجمه قرآن چیست؟

حسین انصاریان: بدون تردید اگر گروهی متخصص برای ترجمه قرآن مجید که دریایی ژرف از مفاهیم بلند ملکوتی است، و عجایب آن غیرقابل شمارش و ارزش های آن غیر قابل کهنه شدن است گردهم آیند و هر آیه را با معلومات فراوان خود، و عقل فعالشان با توجه به علوم لازم به بحث بگذارند و از ذوق و هنر و جوشش فکری خدادادی خود که هماهنگ با معارف الهیه باشد استفاده کنند، و پس از پختگی کار با قلمی شیوا به ترجمه دست یازند بهتر از کار فردی است زیرا علم و دانش در اختیار يك

نفر نیست بلکه علم میان همگان تقسیم شده و ترجمه گروهی در حقیقت بهره گیری از دانش وسیع و بینش جامع است و بیش از ترجمه فردی به سود مخاطبان قرآن مجید است.

ضرورت این کار نیاز به برهان ندارد، و فوائدش قابل انکار نیست و اگر موانع و مشکلاتی داشته باشد چون کاری الهی و ملکوتی است و در جهت رسانیدن معارف حقه و احکام استوار اسلام و پندها و موعظه ها به مردم به صورت می گیرد، و زمینه ای برای تربیت و رشد و تکامل انسان هاست، نازل کننده قرآن موانع و مشکلات را دفع و رفع می نماید. ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم، فسیتسره للیسری.

4. در ترجمه گروهی قرآن کریم

، برای اعضای آن چه نوع تخصص‌ها، شرایط و زمینه‌های کاری را لازم می‌دانید؟

حسین انصاریان: پاسخ این پرسش در حد لازم در جواب پرسش اول داده شد.

5. آیا در ترجمه قرآن ملاحظه و ترجمه همه ادوات

و ضمائر و حروف زائده و تأکیدات را- که در زبان فارسی غالباً چنین مطابقت زبانی را ندارد- لازم می‌دانید؟

حسین انصاریان: بدون شك ادوات و ضمائر و حروف [که نسبت به کتاب خدا نباید با قید زائد گفته شود] و تأکیدات که در بسیاری از آیات بکار گرفته شده کاملاً بجا و منهای آنها آیات دارای نقص بود، این امور نشان دهنده معجزه بودن قرآن و استحکام و استواری آیات است، و برای این که غیر عرب آنها را که جزء استخوان بندی آیات است درک کند باید به صورتی لازم و رسا تا حد امکان در ترجمه منعکس شود، و اتفاقاً زبان فارسی که در میان زبان‌ها پس از زبان عربی در حدی کامل است با ظرافت‌ها و لطایف و اشاراتی که در آن است می‌تواند به اندازه‌ای که رسای به مقصود باشد ترجمه یا چیزی نزدیک به ترجمه ادوات و ضمائر و حروف و تأکیدات را ارائه دهد.

و من اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه و سعی في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي و لهم في الاخره عذاب عظيم؛ چه کسانی از مردمی که عبادت خدا را در مساجد منع کردند، و در خرابی آن مراکز بندگی کوشیدند ستمکارترند، آنان‌اند که ورود به آن جایگاه‌های پاک، شایسته آنان نیست جز در حال ترس از انتقام خدا، برای آنان در دنیا خواری و ذلت شکننده و برایشان در آخرت عذابی بزرگ است.

مصاحبه ها، ج 1، ص: 3

در این ترجمه دو موصول من و ضمیر متصل به فیها و اسمه و خرابها و اسم اشاره اولئك و دو ضمیر لهم و ضمیر یدخلوها و دو لام لهم و لحاظ کردن نکره بودن خزی که با قید شکننده ترجمه شده بدون حذف و زیان به زیبایی ترجمه آمده است.

6. دشواری‌ها و تفاوت‌های ترجمه قرآن

، با ترجمه سایر متون در چیست؟

حسین انصاریان: قرآن مجید جلوه علم و حکمت و عدل و رحمت خداست، قرآن کریم فوق همه علوم و فنون، و در همه شئونش برتر و بالاتر از همه کتابهاست، لذا ترجمه کردن آن که در حقیقت ترجمه علم خداست کاری بس دشوار و متفاوت با سایر امور علمی است، مترجم متخصص با انصاف و با احتیاط و با تقوا ضروری می‌داند که در ترجمه آن همه جوانب علمی و شرعی و تقوایی را رعایت کند تا ترجمه‌اش نزدیک به منظور و مقصود حق باشد، و به نظر می‌رسد که در علوم مذهبی و دینی دشوارترین کار و در عین حال خطرناکترین مسئله ترجمه قرآن است، ولی متون دیگر از قبیل علوم بشری است و فهم انسان در صورت تخصص به درک علوم بشری خیلی نزدیک‌تر به فهم علم خداست و بر این اساس کار و زحمت و رنج ترجمه قرآن با کار و زحمت ترجمه متون غیر قرآن قابل مقایسه نیست. مترجم قرآن با صعود به مرتبه اعلی و افق برتر می‌خواهد خود را به فهم آیات برساند و مترجم متون دیگر از نظر علمی همسایه و هم سنگ و گاهی بالاتر از مؤلف متن مورد ترجمه است، و این دو کار یعنی ترجمه قرآن و ترجمه متون غیر قرآن دو دنیای کاملاً متفاوت از یکدیگرند.

7. در ترجمه قرآن کریم، ترجمه برخی مفاهیم و واژه‌ها به عنوان نوآوری

و ابتکار محسوب می‌شود و اختصاص به مترجمی خاص دارد حضرتعالی به عنوان مترجم قرآن کریم، ترجمه چه مفردات و جملاتی را مختص به خود می‌دانید؟

حسین انصاریان: ارائه برخی مفاهیم و واژه‌ها به عنوان نوآوری و ابتکار و اینکه از مختصات مترجمی خاص است منوط به این است که یک مترجم همه ترجمه‌های ویژه زمان خود را کلمه به کلمه و سطر به سطر بخواند و ترجمه خود را با سایر ترجمه‌ها مقایسه نماید تا به نوآوری و ابتکار خود دست یابد، و این کار فرصت طولانی و وقت زیاد می‌خواهد، شاید دو یا سه یا چند مترجم بدون آگاهی از کار یکدیگر نوآوری و ابتکار مشابه هم در ترجمه برخی از آیات آورده باشند که در این صورت ابتکار خاص و نوآوری ویژه محسوب نمی‌شود، و ممکن است بعضی از ابتکارات و نوآوری‌های این جانب از این قبیل باشد، و ممکن است نباشد، اگر بتوان به برخی از موارد ترجمه این حقیر نوآوری گفت برای نمونه چند مورد را ذکر می‌کنم که البته باید گفت نوآوری نیست بلکه ترجمه کلمه یا جمله با حفظ هویت ادبی و شأن حقیقی کلمه یا آیه است.

1. در ترجمه بسم الله الرحمن الرحيم آمده:

بنام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

در این آیه به کلمه رحمان به عنوان صیغه مبالغه بنا به نظر بسیاری از مفسران و اهل لغت و به کلمه رحیم به عنوان صفت مشبیه بنظر همه مفسران نظر شده و ترجمه با حفظ هویت مبالغه و مشبیه به این صورت نگاشته شده که در سایر ترجمه‌ها سابقه نداشته، گر چه نظر خودم به کلمه رحمان این است که این ترکیب هم صفت مشبیه است.

2. ذلك در پاره‌ای از آیات مثل ذلك الكتاب که اشاره به دور است و اشاره به دور یا نزدیک بودن متعلق دلیل بر عظمت است قید عظمت در ترجمه لحاظ گشته: [در وحی بودن و حقانیت] این کتاب با عظمت.

3. در چاپ سوم ترجمه که تجدید نظر در آن به عمل آمده، حرف علی در بعضی موارد به معنای استعلاء که یکی از معانی آن است لحاظ شده که در دیگر ترجمه‌ها شاید نباشد.

مصاحبه‌ها، ج 1، ص: 4

اولئك على هدى من رهم؛ اینان از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایت‌اند، انك لعلی خلق عظیم؛ یقیناً تو بر بلندای ملکات و سجایای اخلاق عظیمی قرار داری.

4. ید در ترجمه غیر آیات احکام و حدود و قصاص مانند تبت ید ابی لهب که بی‌تردید کنایه از قدرت است مانند یدالله به قدرت ترجمه شده؛ نابود باد قدرت ابی لهب.

5. موصول من مشترك میان مفرد و جمع است و از سیاق آخر آیات می‌توان به جمع بودن و یا مفرد بودنش پی‌برد و نباید به ضمائر مفرد برگشته به آن توجه کرد، این مسئله را برخی از مترجمان توجه ننموده لذا ترجمه‌ای دور از ترکیب آیه و سرد و بی‌مزه ارائه کرده‌اند از جمله:

بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته فاولئك اصحاب النارهم فیها خالدون. (بقره، 2/81)

که ضمیر اولئك در پایان آیه و ضمیر هم و صیغه و جمع خالدون بیانگر این است که موصول من در این آیه و مشابهنش به معنای جمع آمده و ضمائر مفرد «به و خطیئته» ناظر به ظاهر من است، ترجمه می‌شود: آری کسانی که مرتکب زشتی شدند و آثار آن سراسر وجودشان را گرفت نهایتاً آنان‌اند که اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند.

در بسیاری از ترجمه‌ها آمده: کسی که به کسب گناه برخیزد و وجودش را فراگیرد پس آنان اهل آتش و در آن جاودانه‌اند، که ترجمه‌ای دور از حقیقت ادبی آیه است.

6. در ترجمه آیه 24 سوره یوسف آیه شریفه را با توجه به پایان آیه که درباره یوسف می‌فرماید: انه من عبادنا المخلصین که عباد مخلص از دسترس هر گونه وسوسه و نیت گناه و خناسان و شیاطین دوراند ترجمه کرده‌ام و بنظر می‌رسد ترجمه‌ای نو و کم نمونه است.

کلمه همت را که به قرینه متن آیه در موضع درگیری و برخورد به کار رفته به معنای حمله خشم آلود گرفته و هم را نیز به آن معنا آورده‌ام و نهایتاً ترجمه به این صورت آمده:

بانوی کاخ [چون خود را در برابر یوسف پاکدامن شکست خورده دید با حالتی خشم آلود] به یوسف حمله کرد و یوسف هم اگر برهان پروردگارش را [که جلوه ربوبیت و نور بصیرت است] ندیده بود [به قصد دفاع از شرف و پاکی‌اش] به او حمله می‌کرد [قطعاً با پیش آمدن زد و خورد بانوی کاخ در برابر قدرت یوسف آسیب بدنی می‌دید و راه اتهام بر ضد یوسف باز می‌شد] ما این گونه [یوسف را یاری دادیم] تا زد و خوردی که سبب اتهام به یوسف می‌شد و نیز عمل خلاف عفت آن بانو را از او برگردانیم زیرا او از بندگان مخلص ما بود.

7. آیات 50 تا 53 که نشانگر مجلس پادشاه مصر با همسر عزیز و زنان مصری در جهت تبرئه یوسف از گناه است و آیه 54 نشان می‌دهد یوسف پس از پایان این مجلس نزد شاه آورده شده و يك لحظه هم در آن مجلس پیش از آشکار شدن حق حضور نداشته، مرا به این معنا راهنمایی کرد که با توجه به واو عاطفه آیه 53 جمله ان النفس لاماره بالسوء؛ کلام زلیخاست نه یوسف که از عباد مخلص بود و پاک از نفس اماره.

چیزی که هست ممکن است اشکال شود که مصریان خدا را نمی‌شناختند تا همسر عزیز بگوید الا ما رحم ربی باید گفت مصریان مشرک بودند و مشرکان خدا را قبول داشتند و بت‌ها را شفیع خود نزد خدا می‌دانستند بنابراین الا ما رحم ربی دور از حقیقت نیست که کلام زلیخا باشد.

8. در آیه 29 سوره اسراء بسیاری از مترجمان تقعد را به معنای قعود و نشستن گرفته‌اند در حالی که از افعال قلوب و گیرنده دو مفعول و به معنای صار می‌باشد ترجمه صحیح این است: در نتیجه نکوهیده و درمانده گردی.

9. در آیه 15 سوره قصص بسیاری از مفسران و مترجمان جمله هذا من عمل الشيطان را در کشتن آن مرد قبطی به خود موسی نسبت داده‌اند که گفت این قتل که به دست من واقع شد کاری شیطانی بود در حالی که موسی از بندگان مخلص و پیامبر اولوا العزم و دارای مقام عصمت بود و کار شیطانی به او راه نداشت. من در

ترجمه اسم اشاره هذا را اشاره به زد و خورد و درگیری مرد قبطنی و سبطی گرفته که موسی گفت این درگیری و زد و خورد ازعمل شیطان است.

10. در آیه 23 سوره ص در جمله اجبت حب الخیر عن ذکر ربی، ذکر رب را به نماز مستحب بر اساس معارف الهی و روایات و با توجه به خلص بودن سلیمان که هرگز واجب و فریضه‌ای از او فوت نشد ترجمه کرده‌ام.

11. آیاتی که مصدر به جمله اولم یروا می باشد چون «یرو» از افعال قلوب و به معنای علم است به آیا ندانسته‌اند ترجمه شده که استفهام انکاری است نه به آیا ندیده‌اند که قطعاً ترجمه‌ای اشتباه است.

آیاتی که مصدر به ارایتم است که اصطلاحی عربی است به این صورت ترجمه شده است: به من خبر دهید و مواردی از این قبیل در ترجمه اینجانب فراوان است که بخشی را می توان به نوآوری و ابتکار نسبت داد و بخشی را به فهم صحیح کلمه.

8. تاکنون يك هزاره از ترجمه تحت اللفظی و نیز از حدود هزار ترجمه قرآن می گذرد، با توجه به نیاز جامعه به فهم قرآن، آیا ترجمه تحت اللفظی را کافی می دانید؟ یا نیازمند ترجمه تفسیری و آزاد از مفاهیم و آیات هستیم، به چه دلیل؟

حسین انصاریان: اعتقادی به ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد از مفاهیم ندارم زیرا ترجمه تحت اللفظی ترجمه‌ای گنگ و نامفهوم و سبب روگردانی نسل از فهم قرآن و باعث ملالت و خستگی است، ترجمه آزاد از مفاهیم را ترجمه نمی دانم، ترجمه همراه با توضیحات صحیح پرانتری در صورت انشائی زیبا و استوار برای نسل امروز و حتی فردا ترجمه‌ای مقبول و مفید است.

9. سه ترجمه کهن و سه ترجمه معاصر خوب را معرفی کنید و چند جمله درباره انتخاب خودتان بنویسید؟

حسین انصاریان: از ترجمه‌های کهن در میان اهل سنت ترجمه دهلوی هندی البته ترجمه اصلی اش نه ترجمه خلاصه‌ای که عربستان ارائه داده، و از شیعه ترجمه ابوالفتوح نسبتاً در ترجمه خوب و قابل استفاده است، البته نه برای نسل امروز بلکه برای دانشمندان، و ترجمه سومی به نظرم جهت نظر دادن نرسیده است.

در ترجمه های معاصر البته جهت نسل امروز ترجمه فودلادوند، آیت الله مکارم، مینوی ترجمه‌های مقبولی است و برخی از ترجمه‌ها گرچه دارای استحکام است ولی در متن ترجمه و پاورقی‌ها متأسفانه دارای انحراف است، و بعضی از ترجمه‌ها چنان از نظر ادبی بودن جملات غرق انشاء نگاری است که فهمش برای عموم دشوار می نماید.

10. در میان ترجمه‌های معاصر، برخی از ترجمه‌ها و یا مترجمان آنها از امتیاز خاصی برخوردارند به نظر حضرت‌عالی این ترجمه‌ها و مترجمان کدامند و چه خصوصیت برجسته‌ای دارند؟

حسین انصاریان: ترجمه‌هایی که مترجمانش سالیان طولانی در حوزه‌های بسیار مهم مانند: قم، نجف، مشهد نزد اساتید کم‌نظیر ادبیات، و فقه و اصول و فلسفه و حکمت و عرفان و حدیث، و معارف پربار اسلامی زانوی شاگردی به زمین زده‌اند و از چشمه‌های جوشان علوم پاکان و اهل تقوا سیراب شده‌اند و عمری را در تعلیم و تدریس و بحث و مباحثه گذرانیده و به طهارت عقل و قلب و تقوای روحی و عملی آراسته شده‌اند و این همه در فهم قرآن موضوعیت دارد با توجه به هنرمندی در نگارش و زیبا نوشتن و به زبان روز قلم زدن از دیگر ترجمه‌ها پربارتر و علمی‌تر است و زبان ترجمه به زبان قرآن نزدیک‌تر و من بهتر می‌دانم به جهت احترام به همه مترجمان از ذکر نام افراد موردنظر خودداری کنم و اصولاً نظر خود را در این زمینه نسبت به اشخاص خاص نظر صائب نمی‌دانم. عطر آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید، ترجمه‌ها نشانگر مبلغ علمی و پاکی و تقوای مترجمان است.

مصاحبه‌ها، ج 1، ص: 6

11. به نظر جناب‌عالی تصحیح و چاپ ترجمه‌های کهن کارآیی و فوایدی و یا احیاناً اشکالاتی دارد؟ زیرا برخی معتقدند مترجمان کهن دارای سبک و اسلوب نبودند. نظر شما در این باره چیست؟

حسین انصاریان: نفی مترجمان کهن از جهت سبک و اسلوب بنظر می‌رسد صحیح نباشد ما از زمان آنان فاصله زیادی داریم، شاید در فضای روزگارشان با توجه به شرایط زمانشان کاری

که کرده‌اند دارای سبک و اسلوب بوده و برخی در این روزگار با توجه به شرایط علمی زمان، کار آنان را سبکی و اسلوبی ندانند، و این بی انصافی است که زحمات سنگین آنان را در رساندن معانی آیات به مردم زمانشان کاری بدون چهارچوب بدانیم.

تصحیح و چاپ ترجمه‌های کهن علاوه بر این که قدردانی و سپاس‌گزاری از آن چهره‌های قرآنی است قطعاً برای مترجمان و مفسران و حوزویان و دانشگاهیان هر چند کم باشد فوایدی دارد و شاید دیدگاهی تازه به امروزیان نسبت به بخشی از کارشان بیخشد.

12. آیا با ترجمه‌های منظوم که اخیراً تعداد آنها زیاد شده است موافقت یا مخالف؟ چرا؟ و بهترین نمونه را کدام می‌دانید.

حسین انصاریان: آیات شریفه قرآن که گستردگی و وسعت مفاهیم و معانی آنها فوق العاده است به آن صورت که هست در ترجمه آهم ترجمه‌ای که متخصص هنرمند و آراسته به علوم لازم به وجود می‌آورد نمی‌گنجد، چه رسد به این که آیه‌ای در يك خط شعر یا چند خط شعر ترجمه شود، ترجمه شعری و منظوم گویای مفاهیم و معانی آیات نیست و ورود به آن به خصوص اگر شاعر آلوده به خیال پردازی باشد صحیح نیست، چنانچه کسی به این کار اقدام کند باید خط به خط شعرش از طرف گروهی متخصص و قرآن شناس به دقت کنترل شود که متأسفانه این کار نسبت به ترجمه های

منظوم صورت نگرفته، ترجمه منظومی که جدیداً به بازار آمده از نظر شعری ضعیف و از نظر علمی کم‌مایه و دربرگردان مفاهیم دارای نقص فراوان است، با توجه به ترجمه های منظومی که برخی چاپ نشده و برخی چاپ شده دیده‌ام ترجمه منظوم صافی علی شاه گذشته از بعضی مطالب صوفی گرایانه اش که هماهنگی با حقایق قرآنی و روایی ندارد ترجمه منظوم استوار و علمی و از نظر ادبی و شعری در سطح قابل قبول و حاوی نکات مهم عرفانی و اخلاقی و روحی است.

13. اصطلاحات و کلماتی مثل انفاق، زکاه و امثال آن که برای فارسی زبانان مفهوم است، آیا در ترجمه لازم است معادلی برای آنها آورده شود یا خیر؟ برخی از این کلمات و اصطلاحات که به نظر حضرتعالی نیازی به ترجمه ندارد بیان فرمائید.

حسین انصاریان: کلماتی مانند انفاق و زکات تا جایی که در فارسی معادل نزدیک به معنای آنها را داشته باشد اگر معادل نزدیکش آورده شود بهتر است.

نفق یعنی شکاف و خلأ- انفاق از باب افعال به معنای پرکردن خلأ است اگر در آیات به این صورت ترجمه شود: آنان که مال خود را در راه خدا [برای از میان بردن خلأهای زندگی نیازمندان] هزینه می‌کنند. ترجمه‌ای مناسب و برای مخاطب مقبول‌تر و نسبت به حرکت دادن او به سوی حقیقت کاربردی‌تر است.

14. به نظر جنابعالی ملاک در ترجمه قرآن، زبان محاوره‌ای است یا باید به نثر معیار ترجمه کرد؟

حسین انصاریان: در قرآن مجید آیاتی هست که می‌گوید: این کتاب به زبان قوم عرب و به زبانی روشن و آشکار و بگونه ای قابل فهم نازل شده است، بنابراین مآب مترجم بدون این که در ترجمه اش از مفاهیم و معانی آیات دور شود اگر ترجمه اش را به زبان قوم و زبان محاوره ای بیاراید بهتر است تا این که انشایی به

مصاحبه ها، ج 1، ص: 7

کاربرد که خواننده مجبور به مراجعه به کتب لغت گردد، یا به خاطر سختی ترجمه از ادامه خواندنش خسته و پشیمان شود.

15. چه منابعی می‌تواند در ترجمه قرآن مؤثر باشد و حضرتعالی از چه منابعی در ترجمه بهره بردید؟

حسین انصاریان: در ترجمه قرآن مراجعه به منابع ادبی، لغوی، روایی، و تفسیری و تاریخی لازم است تا ترجمه ای استوار و مفید به دست آید.

اینجانب در ترجمه خود که نزدیک به سه سال به طول انجامید و برای رعایت جانب احتیاط دوبار به ترجمه اقدام کردم و بیش از دو هزار ورق آچار را به کار گرفتم و دستخط هر دو بار ترجمه را حفظ کرده‌ام به منابع زیر مراجعه داشته‌ام:

معنی‌اللبیب سیوطی، اعراب القرآن، اعراب القرآن و بیانه، علوم العربیه، مفردات راغب، المنجد، فروق اللغات، العین، مصباح المیز، فرهنگ معین، مجمع البحرین، صافی، کشاف، تفسیر کبیر، مجمع البیان، المیزان، ایسر التفاسیر، روض الجنان، نورالثقلین، راهنما.